

فصل

انگیزه‌ها و موانع مؤثر بر رفتار تولیدکنندگان کشاورزی



❖ اهداف آموزشی

- ❖ شناخت عوامل و انگیزه‌ای مؤثر بر رفتار تولیدی زارعین
- ❖ آشنایی با عوامل شخصی و درونی تأثیرگذار بر رفتار
- ❖ آشنایی با تشکل هماهنگی و حمایتی تشکل‌های بخش کشاورزی
- ❖ آشنایی با نظام صنفی کشاورزی
- ❖ آشنایی با موانع مؤثر بر رفتار تولیدکنندگان محصولات کشاورزی

□ مقدمه

بخش کشاورزی از مهمترین بخش‌های اقتصادی کشور به شمار می‌آید و در برنامه‌های توسعه اقتصادی و فرهنگی، محور و پیش‌شرط توسعه است. از آنجا که مشاغل کشاورزی به طور عمده در اختیار روستاییان قرار دارند، نیروی انسانی را می‌توان از عوامل مهم توسعه کشاورزی قلمداد کرد. محصولات کشاورزی نقش مهمی در روند رشد کشورهای در حال توسعه دارد. با توجه به رشد جمعیت و مشکلات موجود در تأمین مواد غذایی، مهمترین هدف برنامه‌ریزان کشاورزی افزایش میزان و تداوم تولید محصولات کشاورزی از منابع داخلی است. در این راستا سیاست‌های متفاوت قیمتی و غیر قیمتی بسیاری اتخاذ شده که اثربخشی این سیاست‌ها در جهت افزایش تولید به دو شکل افزایش سطح به کارگیری نهاده‌های تولیدی و یا افزایش سطح تکنولوژی، بستگی زیادی به عکس‌العمل زارعین و اثر این سیاست‌ها بر رفتار تولیدی آنان دارد. انگیزش زیربنای رفتار انسان است و می‌توان آن را نیرویی تعریف کرد که توان انسان به سمت یکی از عملیات و فعالیت‌هایی که پیش روی فرد قرار دارد، هدایت می‌کند و به کار می‌برد. روان‌شناسان، انگیزش را فرایندی می‌دانند که در سه قلمرو ایجاد انگیزه، هدایت به سمت یک هدف معین و استمرار انگیزه ایجاد شده، در خور بررسی است.

تمایل به انجام کار در گرو توانایی فرد است تا بدان وسیله نوعی نیاز تأمین گردد. می‌توان انگیزش را برحسب رفتار عملی تعریف کرد. کسانی که تحریک شوند نسبت به کسانی که تحریک نشوند تلاش بیشتری می‌نمایند. انگیزش علت رفتارها است. انگیزش به عوامل موجود در یک فرد اشاره دارد که رفتار را در جهت یک هدف فعال می‌سازند. پژوهش‌های انجام شده در زمینه انگیزش در صدد پاسخ دادن به پرسش‌هایی درباره رفتار انسان‌ها هستند که با کلمه‌های سؤالی «چرا» و «به چه عللی» آغاز می‌شود. می‌توان گفت انگیزش موجب ایجاد انرژی و جهت دادن به رفتار می‌شود که سبب می‌شود



توجه افراد حفظ شود و تداوم یابد. از آنجا که رفتار آدمی دارای هدف است، پس انگیزش تعیین‌کننده تقویت‌ها و توجیه‌کننده جهت‌گیری‌هاست. انگیزش، یکی از مهمترین عناصر یادگیری و آموزش اثربخش است که در عین حال اندازه‌گیری آن بسیار دشوار است. به زبان ساده، چیزی است که شما را به پیش رفتن وامی‌دارد، در حال پیش رفتن نگر می‌دارد و تعیین می‌کند که به کجا سعی دارید بروید.

□ رفتار تولیدی زارعان

رفتار تولیدی زارعان که همان تصمیم‌گیری زارعین در مراحل مختلف عملیات زراعی است را می‌توان تحت تأثیر سه عامل عنوان کرد:

□ عوامل درون‌زا

عوامل قابل کنترل که کشاورز امکان کم و زیاد نمودن آنها را داشته و تا حد زیادی تأثیرات این عوامل بر میزان تولید در اختیار تولیدکننده می‌باشد. سن، سطح سواد، تعداد افراد خانوار، کود، بذر، زمین، مدیریت و غیره از جمله عوامل درون‌زا می‌باشند.

□ عوامل برون‌زا

به عوامل غیر قابل کنترل گفته می‌شود، این دسته عوامل هم چون عوامل قیمت، جغرافیایی و جوی، شرایط طبیعی، آفات، امراض و سرمایه‌گذاری عمرانی دولت و غیره می‌باشند. اگرچه این عوامل بر تولید مؤثر هستند، ولی در اختیار و کنترل تولیدکننده نیستند.

□ اقدامات ناشی از سیاست‌های دولت

که در چارچوب عوامل مؤثر بر پذیرش تکنولوژی جدید و اثر آن بر روند تولیدی زارعین مورد بررسی قرار می‌گیرد. در واقع توفیق در رسیدن به افزایش میزان و تداوم تولید محصولات کشاورزی از منابع داخلی بستگی به شناخت این عوامل و اثرگذاری آن بر رفتار تولیدی زارعین دارد. به طور کلی می‌توان نظام‌های تولیدی را به سه دسته کلی تقسیم کرد:

■ تولید معیشتی

در این سیستم، تولیدکننده بخش کشاورزی صرفاً تولید می‌کند تا مواد غذایی و پوشاک خود و اطرافیان خود را تأمین نماید و طبعاً تعداد کالاهایی که این افراد، مصرف می‌نمایند بسیار محدود و معدود است. در واقع در این سیستم افراد، خود بسنده و خودکفا هستند.

■ تولید مختلط

تولیدکننده در این بخش علاوه بر اینکه تولید می‌کند تا مواد غذایی و مایحتاج خود را تأمین نماید، بخشی از مازاد تولید خود را به بازار عرضه می‌کند و از طریق درآمد حاصل، نیازهای دیگر خود را مرتفع می‌سازد؛ بنابراین هدف تولیدکننده در این سیستم علاوه بر تأمین مواد غذایی و مایحتاج خود از طریق تولید، نیازهای دیگر را نیز از طریق کسب درآمد حاصل از فروش محصول تأمین می‌نماید.

■ تولید برای فروش

در این سیستم که مبتنی بر اقتصاد بازار است، تولیدکننده محصول کشاورزی صرفاً هدفش حداکثر نمودن سود از طریق فروش محصول است. تولیدکننده در این سیستم تولید نمی‌کند تا نیازهای غذایی خود را از طریق تولید محصولات تأمین نماید، بلکه تولید می‌کند تا از طریق فروش محصول کسب درآمد نماید.

در رابطه با رفتار تولیدکنندگان بخش کشاورزی این نکته را هم باید در نظر داشت که فرایند تولید در بخش کشاورزی همانند بخش‌های دیگری هم چون صنعت اتفاق نمی‌افتد، زیرا که در بخش‌هایی مانند صنعت، اگرچه تولیدکنندگان در شرایط مساوی، یک مقدار نهاده در تولید یک نوع محصول به کار برند، به یک اندازه ستاد خواهند داشت، ولی در بخش کشاورزی این پدیده اتفاق نمی‌افتد و نمی‌توان اطمینان داشت که اگر چند کشاورز به یک اندازه نهاده برای تولید یک محصول به کار برند به اندازه مساوی تولید داشته باشند چراکه در فرایند تولید محصولات کشاورزی عوامل مختلفی نقش داشته و میزان تولید را دستخوش تغییر قرار می‌کنند و در نتیجه درآمد بخش کشاورزی دچار عدم حتمیت می‌شود.

□ عوامل مؤثر بر رفتار تولیدی زارعین بر اساس مدل آیزن و فیش باین

الگوهای بسیاری در زمینه تغییر رفتار وجود دارند که از جمله آنها، تئوری رفتار برنامه‌ریزی شده^۱ می‌باشد. در تئوری رفتار برنامه‌ریزی شده، باورها و نگرش‌های افراد نسبت به یک رفتار مورد بررسی قرار می‌گیرد. البته نگرش^۲ و باور^۳ با هم تفاوت دارند: باورهای ما هستند که باعث شکل‌گیری نگرش ما نسبت به یک موضوع می‌گردند. بر طبق این نظریه اگر فرد نگرش مثبتی

1. Theory Of Planned Behavior
2. Attitude
3. Belief



نسبت به انجام رفتار داشته باشد، افرادی که از نظر وی مهم هستند، اجرای رفتار توسط او را تأیید نمایند و باور داشته باشند که انجام رفتار تحت کنترل اوست، آنگاه قصد می‌کند که رفتار مذکور را انجام دهد. نظریه رفتار برنامه‌ریزی شده مبتنی بر تئوری اقدام عقلایی (رفتار منطقی) می‌باشد. در نظریه اقدام عقلایی، دو تعیین‌کننده مهم قصد رفتاری وجود دارند:

۱ نگرش شخصی فرد نسبت به اقدام (یعنی باورهای رفتاری شخص در مورد انجام یک کار)؛

۲ هنجارهای ذهنی تأثیرگذار بر فرد.

اهمیت نسبی این دو جزء با توجه به دو عامل فرد و نوع رفتار تغییر می‌کند. مهمترین هدف تئوری مذکور، درک و پیش‌بینی تأثیرات انگیزشی بر رفتار فرد می‌باشد. این تئوری سعی دارد تا ارتباطات موجود میان نگرش، هنجارهای ذهنی، تمایل و رفتار را توضیح دهد. بر اساس پیش‌فرض اصلی تئوری رفتار منطقی، انسان‌ها موجوداتی منطقی بوده و از اطلاعات در دسترس خود، شیوه‌ای منظم و منطقی برای ارزیابی ضررها و سودمندی‌های انجام عملی خاص استفاده می‌نمایند.

آیزن و فیش باین با این استدلال که اولاً مردم تصمیمات رفتاری خود را بر پایه بررسی معقول و منطقی اطلاعات در دسترس انتخاب می‌کنند و ثانیاً مردم نتایج عملکرد خود را قبل از اتخاذ تصمیم مورد توجه قرار می‌دهند، مدل رفتار منطقی را برای پیشگویی و توضیح رفتار فرد طرح‌ریزی کردند. سپس با توجه به محدودیت‌هایش در خصوص رفتارهایی که تحت کنترل ارادی افراد نیست، توسط آیزن با اضافه کردن عامل کنترل رفتاری درک شده بسط داده شد و مدل رفتار برنامه‌ریزی شده نام گرفت. در واقع می‌توان گفت در تئوری رفتار برنامه‌ریزی شده، دستورالعملی برای ایجاد کنترل رفتار ادراکی داده شده است. طبق این مدل، قصد انجام یک رفتار توسط سه عامل پیش‌بینی می‌شود. فرد دیدگاه مثبتی نسبت به انجام رفتار داشته باشد. نگرش فرد تأثیر زیادی در رفتار فرد دارد. فرد احساس کند برای انجام دادن رفتار تحت فشار اجتماعی باشد (هنجارهای ذهنی). هنجارهای ذهنی ایجاد شده در تئوری رفتار برنامه‌ریزی شده، هنجارهای تأکیدی است که بر فشارهای درک شده از سوی اجتماع که از طرف افراد مهمی برای انجام دادن یک رفتار ارائه می‌شود، تمرکز یافته است. بعضی از نویسندگان بحث کردند که هنجارهای ذهنی، ضعیف‌ترین جزء در تئوری هستند. به عنوان مثال شپارد و همکارانش دریافتند که اجزای هنجارهای ذهنی، شاخص‌های ضعیفی برای پیش‌بینی تمایلات هستند.



بنابراین می‌توان گفت که آیزن سه جزء تئوری رفتار برنامه‌ریزی شده را پیشنهاد داد:

- ۱- نگرش (یعنی ارزیابی مثبت یا منفی از یک اقدام)؛
- ۲- هنجارهای ذهنی (یعنی درک تأثیرات اجتماعی برای انجام دادن یا ندادن یک رفتار)؛
- ۳- کنترل درک شده رفتاری (یعنی ادراکی که یک فرد از داشتن توانایی خود برای انجام یک کار دارد).

□ عوامل شخصی و درونی تأثیرگذار بر رفتار

■ دانش

دانش مخلوط سیالی از تجربیات، ارزش‌ها، اطلاعات موجود و نگرش‌های کارشناسی نظام‌یافته است که چارچوبی برای ارزشیابی و بهره‌گیری از تجربیات و اطلاعات جدید به دست می‌دهد. دانش، در ذهن دانشور به وجود آمده و به کار می‌رود. دانش از اطلاعات و اطلاعات از داده‌ها ریشه می‌گیرند. تبدیل اطلاعات به دانش در عمل بر عهده خود بشر است.

■ مهارت

مهارت قابلیت یادگیری است یا به زبانی دیگر استعداد انجام دادن یا پیش‌بینی نتایج با حداقل صرف زمان و انرژی است. مهارت قابلیت است که با اطمینان معین و صرف حداقل انرژی یا زمان کاری به نتیجه برسد. ماهر فردی است که مهارت را با اطمینان نسبی و با صرف حداقل انرژی اجرا نماید. مهارت‌ها اغلب به دو دسته تقسیم می‌شوند:

الف) مهارت‌های حوزه عمومی، ب) مهارت‌های حوزه تخصصی.

برای مثال در حوزه کاری، بعضی از مهارت‌های عمومی می‌توانند شامل مدیریت زمان، کار گروهی، رهبری، خودجوشی و خود انگیزشی باشند. در حالی که مهارت‌های حوزه تخصصی می‌توانند فقط برای بعضی از مشاغل به کار روند.

□ اثر تکنولوژی بر تولید

تکنولوژی در حقیقت تلاشی به منظور جایگزین کردن عوامل تولید فراوان به جای عوامل تولید کمیاب است. به عبارت دیگر تکنولوژی دانش و ابزار جدیدی است که استفاده از آن افزایش تولید و در بعضی مواقع جایگزینی نیروی انسانی را در بر دارد. اهمیت تکنولوژی زمانی است که بدانیم هر سال ۹۰ میلیون نفر به جمعیت جهان اضافه می‌شود؛ بنابراین امروزه نمی‌توان با استفاده از شیوه‌های



قدیمی راه را به جایی برد. ناخودآگاه باید به فکر شیوه‌های نوین کشاورزی و تکنولوژی‌های جدید برای رسیدن به عملکرد بالا و بازدهی بیشتر بود. هدف اولیه تکنولوژی‌های جدید کشاورزی (مثل ارقام گیاهی، نژادهای جدید دامی، ابزارهای پیشرفته، روش‌های کاشت و یا کاربرد ماشین‌آلات) صرفه‌جویی در وقت و افزایش کارایی بدون به خطر انداختن مشاغل زنان و مردان در کشاورزی عنوان شده است. تکنولوژی جدید کشاورزی را می‌توان به دو دسته اجرایی و بلندمدت تقسیم کرد. نوآوری‌های اجرایی اغلب به طور مستقیم بر روی هزینه‌های متغیر سالانه و سطوح تولید اثر می‌گذارد. استفاده از این تکنولوژی نیاز به کمی مدیریت مدرن دارد. بذره‌های جدید، سم‌های جدید و واکسیناسیون دام مثال‌هایی از این تکنولوژی است. در مورد تکنولوژی‌های بلندمدت، تولیدکننده با تصمیمی روبه‌رو است که نیاز به برنامه دارد و تغییر آن برنامه هزینه‌بر است این گونه سرمایه‌گذاری‌ها هزینه‌های ثابت و متغیر را تحت تأثیر قرار می‌دهد، ممکن است باعث افزایش مقیاس واحد تولیدی شود و نیاز به مدیریت قوی‌تری برای اطمینان از بازده اقتصادی مطلوب دارد. مثال‌هایی از این گونه تکنولوژی غیر قابل تغییر را می‌توان خرید ماشین‌آلات و تجهیزات جدید، گسترش مزرعه، گسترش برخی تکنولوژی‌های جدید آبیاری و یا تسطیح اراضی نام برد. کاربرد تکنولوژی مناسب در فعالیت‌های کشاورزی به دو طریق باعث افزایش کارایی اقتصادی می‌شود. طریق اول اینکه تابع تولید را به گونه‌ای به سمت بالا منتقل می‌کند که با استفاده از هر سطح معین از عوامل تولید، محصولات بیشتری به دست آید. طریق دوم بدین گونه است که تابع تولید به سمت چپ منتقل می‌کند به نحوی که با سطح کمتری نهاده مقدار مشخصی محصول به دست آید؛ اما اگر تکنولوژی نامناسب در مزارع به کار رود نه تنها تولید را افزایش نمی‌دهد بلکه ممکن است باعث کاهش تولید نیز بشود.

□ سطح زیر کشت محصولات (الگوی کشت)

الگوی کاشت که به معنی سطح زیر کشت و نوع محصولات مختلف زراعی در یک منطقه اطلاق می‌شود تصمیم به اینکه کدام محصول با استفاده از چه عوامل تولیدی، با چه روشی و به چه مقدار تولید گردد از برنامه‌های مهم آن می‌باشد. تنظیم و اجرای الگوی کشت مناسب محصولات زراعی و باغی تحت تأثیر عواملی چون **عوامل طبیعی** شامل ساختمان خاک، اقلیم و مقدار آب آبیاری در دسترس، **عوامل اجتماعی** شامل گروه‌های زارعان (خانواده‌ها، فرهنگ‌ها و ...) و **عوامل اقتصادی**

مانند قیمت تمام شده محصول برای زارع، قابلیت عرضه در بازار، سطح تکنولوژی در اختیار، نیروی انسانی موجود، اعتبار و وضعیت صنعتی منطقه، حمل و نقل و دسترسی به اطلاعات قرار می‌گیرد. یک الگوی مناسب کاشت باید به نحوی اجرا شود که نیازهای اولیه همه اعضای جامعه برآورده شده و حقوق آنها از بهره‌وری اراضی، سرمایه کافی، فرصت‌های بازاریابی تأمین و تضمین شود زیرا هر گونه تغییر در الگوی کاشت می‌تواند کل نظام اجتماعی بخش کشاورزی را تحت تأثیر قرار دهد. افزایش تولید در واحد سطح و استفاده صحیح از اراضی، یکی از راه‌های تأمین غذا برای جمعیت عظیم انسانی می‌باشد. از عوامل اصلی و شناخته شده توسعه پایدار کشاورزی، تعیین الگوی مناسب کاشت، با توجه به توانمندی خاک و اقلیم در استفاده بهینه از منابع خاک، آب و سرمایه برای افزایش تولید محصول و جلوگیری از تخریب بیشتر منابع طبیعی امری ضروری است. ایجاد الگوی مناسب کاشت جز با اتکا به شناخت استعداد اراضی، توجه به شرایط اقتصادی اجتماعی و جامع‌نگری دقیق میسر نخواهد بود. در سال‌های اخیر مفاهیم و دیدگاه‌های جدیدی در زمینه بهره‌برداری از منابع در تولیدات کشاورزی مطرح شده است که این دیدگاه‌ها ناخودآگاه در عملیات کشاورزی سنتی نهفته بوده است. در بسیاری از کشورها مانند آمریکا، کانادا، بلژیک، هند، پاکستان و ترکیه الگوی کاشت مناطق به صورت مدل‌هایی طوری تنظیم می‌شود که گیاهان در الگوی کاشت ضمن رعایت میزان سطح کشت مورد نیاز و شرایط اقلیمی، حداکثر سودمندی را داشته باشند.

□ شکل‌های کشاورزان

برای نیل به توسعه همه جانبه در کنار فعالیت نظام‌های ترویج دولتی با توجه به ویژگی‌های مدل توسعه خوداتکا و درون‌زا و برای دخالت دادن مردم به طور فعال در امور مربوط به خودشان و احساس مسئولیت در برابر برنامه‌های توسعه اجرا شده توسط دولت، به یک ساختار سازمان‌یافته مردمی نیاز است تا به عنوان بازوی کمکی دولت در امر سازندگی و توسعه عمل کند. ساختاری که با اتکا به ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی جامعه روستایی کشورمان و به دور از بوروکراسی دولتی بتواند انگیزه‌های مشارکت مردمی را در توسعه روستایی و کشاورزی تقویت و جلب نماید. یکی از راهکارهای اساسی برای وقوع این نوع از مشارکت سازمان‌یافته، حضور کشاورزان در شکل‌های غیردولتی است. تا ضمن بر عهده گرفتن فعالیت‌های توسعه مربوط به جامعه خود و مشارکت به معنای واقعی در تمام مراحل برنامه‌ریزی، اجرا، نظارت و ارزشیابی طرح‌های توسعه کشاورزی و



روستایی بتوانند در قالب تشکلهای غیردولتی از امکان ارائه خدمات بهتر توسط نظام ترویج دولتی و خصوصی بهره‌مند شوند. بدین طریق یکی از مشکلات دیرین کشاورزان یعنی عدم امکان انتقال نظرات، انتقادات و پیشنهادهایشان به دست اندرکاران به علت عدم سازماندهی و داشتن تشکل و عدم مشارکت در تصمیم‌گیری‌ها که موجب خسارت زیادی به این قشر پرتلاش شده است، به نحو مطلوب حل شده و در کنار آن، دولت نیز می‌تواند از تشکل داوطلبانه کشاورزان در اجرای طرح‌های مشارکتی توسعه کشاورزی و روستایی بهره‌مند گردد و زمینه حضور فعال مردم را در طرح‌های توسعه بیش از پیش فراهم نمایند. کشاورزان با برخورداری از شخصیت حقوقی می‌توانند در مقابل سیاست‌های اتخاذ شده توسط سیاست‌گذاران، در مواردی که حقوق آنان نادیده گرفته شده یا انتظار و پیشنهادی دارند، به نحو احسن اظهار نظر کرده و انتظار داشته باشند که دولت به این نظرات توجه نموده و حقوق آنان را رعایت نمایند. در ادامه به توضیح تعدادی از این سازمان‌ها پرداخته می‌شود.

■ شرکت‌های تعاونی (تحت پوشش قانون تعاون)

مرور سوابق تعاونی‌ها و رشد فزاینده آنها در جهان نشان می‌دهد، نظام بهره‌برداری تعاونی در کشاورزی به عنوان یک واقعیت انکارناپذیر در طول دهه‌های گذشته حضور چشمگیری در صحنه‌های مختلف جامعه روستایی و کشاورزی داشته است. شرکت تعاونی، شرکتی است که از اشخاص حقیقی یا حقوقی که به منظور رفع نیازمندی‌های مشترک و بهبود وضع اقتصادی و اجتماعی اعضا از طریق خودیاری و کمک متقابل و همکاری آنان موافق اصولی که در قانون مصرح است، تشکیل می‌شود.

شرکت‌های تعاونی به لحاظ نوع فعالیت به دو دسته تقسیم می‌شوند:

- ۱- **شرکت تعاونی تولید:** شرکتی است که در امور مربوط به کشاورزی، دامداری، دامپروری، پرورش و صید ماهی، شیلات، معدن، عمران شهری و روستایی و عشایری و نظایر اینها فعالیت می‌نمایند.
- ۲- **شرکت تعاونی توزیع:** شرکتی است که در امور مربوط به تهیه و توزیع کالا، مسکن، خدمات و سایر نیازمندی‌های اعضا فعالیت می‌کند. در شرکت تعاونی، تعدد نوع و موضوع فعالیت با ارائه طرح پیشنهادی مجاز است.

شرکت‌های تعاونی به لحاظ عضویت به دو دسته تقسیم می‌شوند:

- الف) **شرکت تعاونی عام:** شرکتی است که عضویت در آن برای همه آزاد می‌باشد و مؤسسين یا شرکت باید برای تأمین قسمتی از سرمایه اولیه و یا افزایش سرمایه شرکت، سهام آن را به عموم عرضه نمایند.



ب) **شرکت تعاونی خاص:** شرکتی است که عضویت در آن منحصرأً برای گروهی خاص از قبیل کارگران، کارمندان، کشاورزان، دانشجویان، ایثارگران، زنان، مشاغل خاص و نظایر اینها آزاد باشد، بدیهی است تعاونی موظف به پذیرش متقاضیان واجد شرایط بوده و از این نظر محدودیتی برای عضویت ندارد.

■ **تشکل همahنگی و حمایتی تشکل‌های بخش کشاورزی**

تشکل همahنگی و حمایتی تشکل‌های بخش کشاورزی یک تشکل غیر دولتی، غیر سیاسی و غیر انتفاعی بوده و ضمن رعایت کامل قوانین جمهوری اسلامی ایران طبق اساسنامه فعالیت می‌نماید. تشکل همahنگی و حمایتی تشکل‌های بخش کشاورزی از نوع مؤسسات مذکور در بند الف ماده ۲ آئین‌نامه اصلاحی ثبت تشکیلات و مؤسسات غیر تجاری مصوب ۱۳۷۷/۵۵ موضوع مواد ۵۸۴ و ۵۸۵ قانون تجارت و آیین‌نامه شماره ۱۲۶۰۸/ت/۲۷۳۶۷ هـ مورخ ۱۳۸۱/۱۱/۹ مصوب هیأت محترم وزیران می‌باشد. این تشکل همانند تشکل خبرگان کشاورزی در مرکز تحت عنوان مجمع و در استان‌ها و شهرستان‌ها به ترتیب تحت عنوان کانون و انجمن سازماندهی گردیده است. از اهم وظایف این تشکل می‌توان به مواد زیر اشاره داشت:

- حمایت و تقویت تشکل‌های بخش کشاورزی و بهره‌گیری از سازوکارهای مناسب جهت توسعه و ارتقای کیفی و کمی و تقویت بنیه آنها در زمینه‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی؛
- تدوین ضوابط و شرایط و معیارهای لازم به منظور حمایت‌های قانونی از تشکل‌های بخش کشاورزی و تلاش در رفع موانع موجود و تجهیز و راه‌اندازی و فعال نمودن آنها؛
- نهادینه کردن جایگاه تشکل‌های بخش کشاورزی و تأکید بر نقش این تشکل‌ها در رشد کشاورزی؛
- فرهنگ‌سازی و اطلاع‌رسانی به‌موقع و کافی در بین اعضا تشکل‌ها و اعتقادی نمودن تشکل‌ها برای اعضا به منظور پیشبرد اهداف حمایتی؛
- تلاش در جهت ایجاد استقلال در تشکل‌ها و کاهش تصدی‌گری دولت؛
- چاپ کتب و نشریات در جهت ارتقای نقش کشاورزی.

■ **نظام صنفی کشاورزی**

در ایران، نظام صنفی همواره مشاغل صنعتی، خدماتی و بازرگانی را شامل شده و فعالیت‌های بخش کشاورزی را پوشش نمی‌داده است. در حالی که وجود نظام صنفی در بخش کشاورزی با ارتقای آگاهی کشاورزان و انسجام دادن و همahنگ کردن فعالیت‌های آنان می‌تواند توسعه پایدار بخش کشاورزی را



زمینه‌سازی کند و با حضور بهره‌برداران در فرایند تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی، بسترهای لازم را برای اجرای سیاست‌های اصل ۴۴ واگذاری فعالیت‌های تصدی‌گری به بخش غیر دولتی فراهم نماید. با تصویب قانون «تأسیس سازمان نظام‌مهندسی کشاورزی و منابع طبیعی جمهوری اسلامی ایران» در تیرماه سال ۱۳۸۰، زمینه لازم برای تدوین نظام صنفی کارهای کشاورزی فراهم شد. از سال ۱۳۸۲ تلاش برای تدوین آیین‌نامه مذکور آغاز شد و نهایتاً پیش‌نویس آیین‌نامه اجرایی در سال ۱۳۸۴ تهیه و با امضای وزیر محترم وقت جهاد کشاورزی به هیأت دولت ارائه گردید. پس از بحث و بررسی در کمیسیون‌های فرعی و اصلی هیأت دولت در ۱۷ مردادماه سال ۱۳۸۶ آیین‌نامه نظام صنفی کارهای کشاورزی تصویب و در ۲۰ خردادماه سال ۱۳۸۷ برای اجرا به وزارتخانه‌های جهاد کشاورزی، بازرگانی، دادگستری و کار ابللاغ شد. اهم کارکردهای نظام صنفی کارهای کشاورزی به شرح زیر می‌باشند:

- هویت یافتن مشاغل بخش کشاورزی؛
- ایجاد امکان در دفاع از حقوق و منافع صنفی کشاورزان؛
- ایجاد امکان دخالت در نحوه تدوین مقررات و قوانین مرتبط با کشاورزی؛
- نظارت بر فعالیت‌ها و شناسایی و رسیدگی به تخلفات اعضای صنف؛
- ایجاد امکان در هماهنگی و ارتباط با سایر نهادهای مؤثر در فرایند تولید تا فروش و بازاریابی محصولات کشاورزی از جمله اتاق‌های بازرگانی؛
- دخالت در زمینه قیمت‌گذاری و تعیین نرخ‌های مصوب محصولات بخش کشاورزی؛
- دفاع از حقوق و منافع صنفی اعضا؛
- به عهده گرفتن وظایف تصدی‌گری دولتی در بخش کشاورزی از طریق:
 - صدور مجوزهای فعالیت به کشاورزان؛
 - نظارت بر عملکرد بهره‌برداران کشاورزی؛
 - بررسی و شناسایی تخلفات از ضوابط فنی؛
 - رسیدگی به تخلفات صنفی و فنی کشاورزان.

■ شرکت‌های تعاونی تولید روستایی

تعاونی تولید نوعی نظام بهره‌برداری کشاورزی است. این نظام در شکل حقوقی یک تشکل اقتصادی تولیدی غیر دولتی که از مدیریتی نسبتاً علمی و تخصصی برخوردار است می‌باشد. در این تشکل با



اتکا به نیروی مردمی (اعضا) و با تصمیمات مشارکت‌جویانه از طریق مجامع عمومی و هیأت‌مدیره، ضمن حفظ اصل مالکیت فردی با انگیزه‌های فردی و خانوادگی تأسیس و فعالیت می‌نماید. بعد از اصلاحات ارضی سال ۱۳۴۱ برای رفع مشکل خردی و پراکندگی قطعات اراضی مزروعی و مسأله اعمال مدیریت صحیح و به کارگیری روش‌های پیشرفته در آن زمان اقدام به تشکیل شرکت‌های تعاونی تولید روستایی شد. این اقدام بر اساس قانون تعاونی نمودن تولید و یکپارچه شدن اراضی صورت پذیرفت و تا سال ۱۳۵۷ تعداد ۳۹ شرکت تعاونی تولید در کشور تأسیس گردید. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی حدود نیمی از تعاونی‌های تولید منحل و بقیه که ۱۹ واحد بود، تقریباً بدون هیچ حمایتی از جانب دولت به کار خود ادامه دادند. در طول سال‌های اولیه بعد از انقلاب چندان توجهی به مقوله نظام بهره‌برداری از منابع تولید کشاورزی کشور به طور اعم و تعاونی‌های تولید روستایی به طور اخص نمی‌شد، لیکن مشکل خردتر شدن اراضی و تشدید پراکندگی قطعات اراضی مزروعی کماکان ادامه داشت. دهه ۶۰ توجه محافل تخصصی و علمی به مقوله نظام‌های بهره‌برداری و دستیابی به شیوه‌های مناسب‌تر بهره‌برداری از منابع جلب گردید و احیا و توسعه تعاونی‌های تولید به طور اخص و توجه به نظام بهره‌برداری کشاورزی به طور عام در دستور کار وزارت کشاورزی وقت قرار گرفت. دور جدید توسعه تعاونی‌های تولید روستایی از سال ۱۳۶۸ (از آغاز اجرای برنامه اول توسعه) با تأسیس ۵ شرکت جدید آغاز گردید و در سال‌های بعد شتاب بیشتری گرفت و تا پایان سال ۱۳۸۸ تعداد تعاونی‌های تولید روستایی به ۱۲۳۰ شرکت رسید. در شرکت‌های تعاونی تولید کشاورزی سعی شده است با یکپارچه‌سازی و تجهیز و نوسازی اراضی حد و مرز زمین هر خانوار به عنوان جزئی از یک قطعه زمین بزرگ حفظ گردد. این امر امکان کاربرد روش‌ها، فنون و ابزار و ماشین‌آلات نوین، کاهش هزینه‌ها و افزایش بهره‌وری با حفظ استقلال و انگیزه‌های فردی را فراهم می‌سازد. در این شکل علاوه بر تأمین مزایای مالکیت فردی با رعایت همیاری و کار و تولید جمعی در سطح شرکت وحدت سه اصل مالکیت، حاکمیت و عاملیت نیز حفظ می‌شود؛ بنابراین خانوارهای روستایی در کسب عضویت تعاونی‌های تولید روستایی از امکانات و تسهیلات حاصل از تشکیل شرکت مثل دسترسی سریع و به موقع به ابزار و وسایل کشاورزی مورد نیاز و استفاده صحیح و مناسب از آنها با کمترین هزینه ممکن نیز برخوردار می‌شوند.



■ تعاونی‌های کشاورزی

به منظور پاسخگویی به نیازهای تخصصی کشاورزان، سازمان مرکزی تعاون روستایی ایران از سال ۱۳۶۴ اقدام به تأسیس و توسعه تشکلهای تخصصی تحت عنوان شرکت‌های تعاونی کشاورزی نمود و تاکنون تعداد این تعاونی‌ها به ۱۸۷۳ شرکت رسیده است که با تعداد ۱/۰۴۴/۴۳۴ نفر عضو در زمینه توسعه کشاورزی فعالیت دارند. برای هماهنگی بیشتر بین شرکت‌های تعاونی کشاورزی و تأمین نیازمندی‌های مشترک آنها تعداد ۵۵ اتحادیه تعاونی کشاورزی نیز تأسیس گردیده است. تعاونی‌های کشاورزی در زمینه‌های مختلف تولیدی، فرآوری و خدماتی فعالیت می‌نمایند. این تعاونی‌ها شامل تعاونی مرغداران، دامداران، گندم‌کاران، باغداران، زیتون‌کاران، بادام‌کاران، زنبورداران، مرتع‌داران، کمباین‌داران، مکانیزاسیون، گل و گیاه، زعفران‌کاران، سیب‌زمینی‌کاران، پسته‌کاران، چای‌کاران، نوغان‌داران و سایر تعاونی‌ها می‌باشد که فعالیت‌های مختلفی را بر حسب ضرورت و نیاز جوامع روستایی به عهده گرفته‌اند.

■ خانه کشاورز

هدف خانه کشاورز سازماندهی و هماهنگ نمودن کشاورزان سراسر کشور به منظور حمایت و احقاق حقوق حقه انسانی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی کشاورزان ایران می‌باشد. ارکان خانه کشاورز عبارتند از: کنگره، شورا، دبیر کل، دفتر سیاسی، بازرسان، هیأت‌های اجرایی استان، شهرستان و دهستان. اهداف خانه کشاورز عبارتند از:

- ✧ تلاش خانه کشاورز در راستای توسعه سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه ایران به‌ویژه بخش کشاورزی در چارچوب قانون اساسی و قوانین موضوعه،
- ✧ تأکید بر ضرورت قانون‌گذاری و قانونمندی در جهت جلوگیری از تجاوز به اراضی کشاورزی و ممانعت از استفاده‌های نادرست از منابع طبیعی در راستای تأمین عدالت اجتماعی،
- ✧ تبدیل کشاورزی سنتی به کشاورزی پیشرفته و پایدار با استفاده از فناوری نوین مناسب و کاربرد منطقی نهاده‌های کشاورزی و افزایش بهره‌وری آنها با توجه با جایگاه محوری بخش کشاورزی در برنامه‌های توسعه همه جانبه کشور،
- ✧ تلاش در جهت کمک به تدوین قوانین کارآمد در بخش کشاورزی و همچنین تدوین سیاست‌های کشت منطقه‌ای و برنامه‌ریزی کشت ملی با توجه به بازارهای ملی و بین‌المللی و ظرفیت‌های فرآوری، نگهداری و تجاری،



✧ تلاش در جهت گسترش فرهنگ و سازوکارهای کاهش ضایعات محصولات کشاورزی در تمام مراحل فرایند تولید تا مصرف.

✧ جذب مشارکت فعالان بخش کشاورزی به منظور ایجاد یک نظام کشاورزی مستقل و کارآمد با حضور فعال کشاورزان در تمام مراحل تصمیم‌سازی تولید، فرآوری و بازاریابی با رعایت شرایط اقلیمی و تأمین نیازهای عمومی.

■ شرکت‌های سهامی زراعی

یکی از مسائل مهم کشاورزی ایران موضوع زمین‌داری و نظام بهره‌برداری است. کوچک بودن واحدهای تولید و پراکندگی قطعات اراضی کشاورزی در موارد زیادی برای استفاده از فنون پیشرفته، تجهیز زیربنا، استفاده از ماشین‌آلات، بهبود راندمان آبیاری و توسعه کشاورزی محدودیت‌هایی را ایجاد می‌کند. در این ارتباط تدابیری از نظر شرایط استفاده بهینه از منابع تولید اندیشیده شده است که از جمله می‌توان به تشکیل شرکت‌های سهامی زراعی اشاره کرد. در اجرای قانون شرکت‌های سهامی زراعی و با توجه به اساسنامه مربوط طی سال‌های ۱۳۴۷ تا ۱۳۵۶، ۹۳ شرکت سهامی زراعی تشکیل گردید که در جریان انقلاب اکثر آنها که هنوز نهادینه نشده بودند منحل و تعدادی نیز در سال‌های بعد به شرکت‌های منحل شده پیوستند، به طوری که بعد از انقلاب تنها ۵ شرکت باقی ماندند. در حال حاضر ۳۶ شرکت سهامی زراعی در ۱۱ استان کشور با موفقیت قابل توجهی فعالیت دارند. اهداف تشکیل شرکت‌های سهامی زراعی را می‌توان به شرح زیر مورد توجه قرار داد:

- ❖ توسعه مکانیزاسیون کشاورزی؛
- ❖ جلوگیری از خُرد شدن و تقسیم اراضی مزروعی به قطعات کوچک غیر اقتصادی؛
- ❖ افزایش راندمان آبیاری با استفاده از کشت‌های یکپارچه؛
- ❖ فراهم شدن زمینه‌های مساعد برای اجرای برنامه‌های زیربنایی و مهندسی زراعی؛
- ❖ ممانعت از تبدیل اراضی کشاورزی برای فعالیت‌های غیر تولیدی؛
- ❖ استفاده از امکانات بالقوه موجود در توسعه اقتصادی حوزه عمل این شرکت‌ها؛
- ❖ افزایش سطح زیرکشت و افزایش تولید در واحد سطح، نگهداری و بهره‌برداری صحیح از منابع طبیعی، آب و خاک؛
- ❖ جذب نیروی انسانی فعال منطقه از طریق ایجاد و توسعه فعالیت‌های جانبی؛



- ❖ توسعه آموزش و بهبود مهارت‌ها و ارتقای فرهنگ کار جمعی؛
- ❖ افزایش درآمدها.

□ آموزش و ترویج کشاورزی و منابع طبیعی

رشد سریع جمعیت و تأمین غذای کافی برای جمعیت رو به افزایش جهان، پیشرفت علم و فناوری، مبارزه با فقر و گرسنگی، کشاورزی تجاری با رقابت نسبی بالا، سرمایه‌گذاری و اشتغال فارغ‌التحصیلان بخش کشاورزی، بهبود معیشت کشاورزان و روستاییان، بخش کشاورزی را با چالش‌های رقابتی فزاینده‌ای روبه‌رو کرده است. از این رو توسعه کشاورزی سازمان‌یافته جهت برآوردن نیازهای فوق‌بسیار حیاتی و ضروری است. توجه و اعمال سیاست‌های آموزش و ترویج کشاورزی به منظور رفع مشکلات روستاییان و تولیدکنندگان، ارتقای دانش حرفه‌ای و آشنایی با فنون پیشرفته تولید، توسعه افکار و مهارت‌های حرفه‌ای، توازن بازار محصولات کشاورزی، تغییرپذیری و ترویج نوآوری‌ها، برنامه‌ریزی راهبردی و پرورش نیروی انسانی برای نیل به هدف که همان توسعه کشاورزی است، بسیار حائز اهمیت است. بنابراین آموزش و ترویج کشاورزی علاوه بر اینکه نقش اساسی در انتقال و اشاعه فناوری‌های پیشرفته کشاورزی شیوه‌های به‌زراعی به کشاورزان دارد، بلکه محور اصلی در چرخه و پیشرفت عوامل تولید و توسعه کشاورزی است. منابع انسانی کارآمد نقش بسیار حساسی در فرایند آموزش و ترویج کشاورزی ایفا می‌کند، چون توسعه به وسیله انسان و برای انسان و با انسان است. از این جهت پرورش نیروی انسانی و توانا ساختن انسان‌ها برای به حرکت درآوردن موتور توسعه به منظور استفاده از منافع و مزایای توسعه به‌ویژه توسعه کشاورزی بسیار بااهمیت است. چنین انطباقی نیازمند نیروهای آموزش‌دیده و مجرب است تا با آموزش و ترویج کشاورزی و ساختن انسان‌های دانا و توانا در عرصه سازندگی و توسعه کشاورزی زمینه‌ساز انتقال تکنولوژی و نوآوری و باعث تسهیل در پذیرش فنون جدید توسط کشاورزان گردد.

□ سرمایه‌گذاری دولت

بخش کشاورزی از اهمیت ویژه‌ای در ساختار اقتصادی کشور برخوردار است به طوری که این بخش با تمرکز بیش از ۲۰ درصد جمعیت فعال کشور نزدیک به ۱۴ درصد تولید ناخالص داخلی را تولید می‌نماید. از سوی دیگر وجود امکانات بالقوه خدادادی در کشور از جمله زمین‌های قابل استفاده و منابع آب غنی، نیروی کار فراوان و ... نهایتاً وجود طیف گستره آب و هوایی شرایط مساعدی را برای رفتار



کشاورزان و توسعه بخش کشاورزی فراهم کرده است. بدیهی است که این بخش جهت به کارگیری مطلوب از امکانات و مزیت‌های فوق و جلوگیری از اتلاف منابع، نیاز به اصلاح ساختار سازمان جهاد کشاورزی در راستای توسعه و حمایت بخش کشاورزی، بالا بردن سطح مدیریت و ارتقای سطح تکنولوژی و آموزش نیروی انسانی دارد و این امر هم صرفاً از طریق سرمایه‌گذاری دولتی امکان‌پذیر است؛ زیرا که سرمایه‌گذاری دولتی به لحاظ نظری اگر در زمینه فعالیت‌های تولیدی باشد به عنوان جایگزین قدرتمند برای بخش خصوصی عمل می‌کند و مانع رشد بخش خصوصی است ولی اگر در حیطه کالاهای عمومی باشد به عنوان بخش مکمل برای سرمایه‌گذاری خصوصی بوده و این امر یک ضرورت در جهت توسعه فعالیت کشاورزی و حفظ اشتغال در بخش و ماندگاری آنها در روستاها و کاهش مهاجرت به شهرها را در پی خواهد داشت. منظور از سرمایه‌گذاری دولت در امور زیربنایی در بخش کشاورزی شامل:

- ⊙ تسطیح اراضی و زهکشی در سطوح مزارع، بهبود شبکه‌های سنتی توزیع و بهره‌برداری از منابع آب و خاک و تنظیم مناسب برای آن؛
- ⊙ سرمایه‌گذاری لازم در امر تحقیق، آموزش و ترویج و توسعه آنها در روستاها، زیرا شرایط نوین کشاورزی ایجاب می‌کند که واحدهای تولیدی با بهبود مدیریت مزارع خود در جهت استفاده بهینه از منابع، نهاده‌ها و ماشین‌آلات و کاهش هزینه‌های تولید گام بردارند و در این راه تحقیق، آموزش و ترویج در حقیقت کلید ادامه حیات بهره‌برداران در آینده خواهند بود؛
- ⊙ ایجاد امنیت، حمایت و تشویق سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در این بخش؛
- ⊙ برقراری نظام تأمین اجتماعی و خدمات بهداشتی و درمانی در قطب‌های تولیدی کشاورزی؛
- ⊙ اتخاذ سیاست‌های مناسب اقتصادی، اعم از سیاست‌های قیمت‌گذاری منطقی (هزینه تولید + سود تولیدکننده) تأمین نهاده‌های مورد نیاز بخش، بازاریابی و بیمه محصولات کشاورزی و همچنین تقویت بورس محصولات کشاورزی و توسعه آن؛
- ⊙ ارائه برنامه‌های هماهنگ و منسجم در زمینه بهره‌برداری از زمین‌های زیرکشت با توجه به قابلیت‌های منطقه و ارشاد کشاورزان به پیروی از برنامه‌های مذکور؛
- ⊙ سرمایه‌گذاری و برنامه‌ریزی در ایجاد زنجیره تولید کالاهای کشاورزی، عملیات صنایع تبدیلی و تکمیلی بازاریابی، بسته‌بندی برای صادرات یا مصرف داخلی؛



○ تعریف مجدد از وظایف کمیسیون‌ها و نهادهایی که به طرق مختلف عهده‌دار کنترل و تنظیم بازار تولید و مصرف کالاهای کشاورزی می‌باشد. بدین منظور نحوه عمل به صورتی تغییر یابد که به جای تداوم حضور همه جانبه دولت، مقدمات استقرار سازوکار بازار فراهم گردد.

چنانچه مجموعه عوامل مؤثر در تولید محصولات و توسعه کشاورزی فراهم باشد در آن صورت می‌توان از اهرم اعتبارات بانکی نیز برای ایجاد انگیزه سرمایه‌گذاری بخش خصوصی جهت توسعه استفاده نمود. مهمترین عوامل مؤثر در تصمیم‌گیری نسبت به سرمایه‌گذار، امکان دسترسی بخش کشاورزی به منابع مالی است. کمبود سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی موجب گردیده که این بخش جهت تأمین منابع مالی مورد نیاز به تسهیلات اعطایی از سوی سیستم بانکی متکی گردد. از سوی دیگر کنترل قیمت کالاهای کشاورزی با توجه به سیاست‌های اتخاذ شده از سوی دولت به جهت حمایت از مصرف‌کننده موجب شده است که در این بخش سودآوری و انباشت سرمایه در حد سایر بخش‌های اقتصادی نباشد، لذا منابع مالی مورد نیاز برای بخش کشاورزی که در طی سال‌های گذشته غالباً از طریق منابع یارانه بانکی تأمین شده در سیاست‌های یکسان‌سازی نرخ سود بانک‌ها به طور اخص دیده نشده است و در این ارتباط نیاز به ایجاد مؤسسه مالی و اعتباری صرفاً حمایتی در بخش تأمین منابع مالی کشاورزان تحت عنوان بانک توسعه کشاورزی و بانک تعاون کشاورزی با استفاده از منابع ارزان دولتی می‌باشد. اگرچه سیستم بانکی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی اقدام به اعطای تسهیلات در بخش سلف، خرید دام و ... به طور عام نموده‌اند لیکن از ابتدا به دلیل عدم برنامه‌ریزی مشخص در این حوزه‌ها، اکثر تسهیلات دریافتی صرف هزینه‌های جاری کشاورزان و یا سایر هزینه‌های غیر بخش کشاورزی شده است و در این ارتباط نیاز به بهبود و اصلاح سیستم اعتباری به شرح ذیل می‌باشد:

- ۱- پرداخت اعتبارات باید هماهنگ با تقویم زراعی منطقه صورت گیرد.
- ۲- کنترل و نظارت دقیق بر تخصص اعتبارات ضروری است تا اعتبارات تخصص‌یافته جهت کارایی و گسترش فعالیت تولیدی مورد استفاده قرار گیرد.
- ۳- برقراری یک نظام هماهنگ اعتباری به طوری که اعتبارات بخش کشاورزی از یک کانال مشخص مدیریت توزیع شود.

۴- اختصاص منابع لازم از طریق بودجه عمومی کشور به صورت سالانه در جهت تأمین منابع مالی بخش کشاورزی.

۵- انعقاد قراردادهای بانکی در جهت اجرای پروژه‌های زیربنایی بخش کشاورزی. چنانچه زمینه استفاده بهینه از عوامل تولید فراهم نباشد اعتبارات بانکی به تنهایی نمی‌تواند اهداف تولید و توسعه کشاورزی را تحقق بخشد و افزایش کمی آن باید توأم با رفع مشکلات ساختاری این بخش صورت گیرد.

□ انگیزش و انگیزه پیشرفت^۱

انگیزش زیربنای رفتار انسان است و می‌توان آن را نیرویی تعریف کرد که توان انسان به سمت یکی از عملیات و فعالیت‌هایی که پیش روی فرد قرار دارد، هدایت می‌کند و به کار می‌برد. روان‌شناسان، انگیزش را فرایندی می‌دانند که در سه قلمرو ایجاد انگیزه، هدایت به سمت یک هدف معین و استمرار انگیزه ایجاد شده در خور بررسی است.

انگیزه پیشرفت یکی از انگیزه‌های مهم اکتسابی است که مردم نسبت به آن باهم متفاوت‌اند. وجود انگیزه‌های مختلف و شدت و ضعف آنها در افراد وضعیتی مشابه ندارد و بر این اساس عملکرد و رفتارهای متفاوتی از انسان‌ها بروز می‌کند. در صورت شناخت وضعیت انگیزه‌ها می‌توان تا میزان چشم‌گیری رفتار بعدی فرد را پیش‌بینی کرد. اسلوین (۱۹۸۶) انگیزه پیشرفت را تمایل تعمیم‌یافته‌ای برای تلاش در جهت موفقیت و انتخاب فعالیت‌های هدف‌گرا در اعمالی که با پیروزی و شکست توأم هستند تعریف می‌کند. این انگیزه لزوماً چیزی همانند تکاپو برای موفقیت‌های درخور مشاهده مانند مقام‌های جامعه‌پسند و یا درآمد بالا نیست، بلکه نگرش نسبت به پیشرفت، اهمیت بیشتری از خود موفقیت دارد. افراد دارای انگیزه پیشرفت بالا، سطح بالاتری از فعالیت‌های فیزیولوژیکی دارند و «انجام بهتر کارها» خود نوعی مشوق طبیعی برای آنان است. این افراد موفقیت‌هایی را دوست دارند که شخصاً برای پیدا کردن راه‌حل مشکلات مسئولیت داشته باشند. این گونه افراد به طور معمول هنگامی که هدف را انتخاب می‌کنند تا زمانی که کار را با کامیابی به پایان برسد کاملاً شیفته و مجذوب آن می‌شوند.



□ سیاست حمایت‌گرایی

سیاست حمایت‌گرایی و در مقابل آن آزادسازی تجاری یکی از راهبردهای بنیادی در اتخاذ سیاست توسعه اقتصادی است که ریشه در حفظ منافع ملی در مقابل رقابت‌های خارجی دارد. این راهبرد در واقع بر اساس مطالعات انجام شده با توصیه به برافراشتن حصارهای بلند حمایتی از قبیل تعرفه و سایر محدودسازی‌های تجاری پیرامون بخش‌های اقتصادی خواهان ایجاد شرایط مطلوب برای رشد این بخش‌ها است. در همین راستا، بخش کشاورزی که نقش اصلی را در تأمین مواد غذایی کشورها دارد همواره و به طور گسترده‌تر در طی سه دهه اخیر از سوی دولت‌ها و به‌ویژه کشورهای در حال توسعه مورد حمایت واقع شده است. در واقع به باور کوبورسی دولت‌ها کوشیده‌اند تا با اعمال سیاست‌هایی چه به صورت مستقیم، مانند تعیین قیمت‌های تضمینی و تثبیتی محصولات و پرداخت یارانه به نهادهایی همچون کود شیمیایی، سموم، ماشین‌آلات و چه به صورت غیرمستقیم از طریق اعمال سیاست‌های متفاوت نرخ ارز، پرداخت یارانه به اعتبارات بخش کشاورزی و اعمال محدودیت‌های گمرکی و تعرفه‌ای بر محصولات و نهادهای وارداتی، از بخش کشاورزی حمایت نمایند؛ تا از این طریق به منظور دستیابی به اهدافی چون افزایش درآمد تولیدکنندگان، افزایش تولید، کنترل نوسانات شدید قیمت مواد غذایی به نفع مصرف‌کنندگان، افزایش صادرات محصولات کشاورزی و حمایت از محصولات استراتژیک داخلی در مقابل محصولات رقیب وارداتی بهره ببرند.

□ بازاریابی الکترونیک

یکی از راه‌های افزایش درآمد روستاییان از کشاورزی، ایجاد فضای جدید کسب و کار الکترونیکی و فراهم کردن فرصت حضور کشاورزان به عنوان فروشنده در بازار می‌باشد. شرکت‌های روستایی با کمک ICT می‌توانند اطلاعات متنوعی از عملیات زراعی تا فعالیت‌های بازاریابی و فروش را در اختیار روستاییان قرار دهند. بازاریابی الکترونیک کشاورزی، به حذف واسطه، کاهش هزینه و یافتن مشتری کمک مؤثری می‌کند. بیشتر کشاورزان صاحب زمین‌های کوچکی هستند و سرمایه اندکی دارند؛ بنابراین موضوع مهم این است که چه سیستمی طراحی شود تا به فروش اینترنتی محصول کمک کند. بازاریابی الکترونیک به استفاده از اینترنت و فناوری‌های ارتباطی به عنوان واسطه برای ارتباط بین فروشنده و مشتریان می‌گویند و بخشی از تجارت الکترونیک است که مدیریت اطلاعات، روابط عمومی، خدمات مشتری و فروش را در بر دارد.